



دعا باید از منظر ایمان تحلیل و ارزیابی شود/ دعا بازی، زبانی ایمان است

استاد دانشگاه شیراز با بیان اینکه نویسنده کتاب «هنگام نیایش چه می‌کنیم؟» معتقد است ...

استاد دانشگاه شیراز با بیان اینکه نویسنده کتاب ««هنگام نیایش چه می‌کنیم؟» معتقد است ارزیابی مؤمن از مسائل عالم با «چشم ایمان» است، یعنی یک مؤمن با چشم ایمان، عالم را می‌بیند و با او داد و ستد دارد، گفت: بروم می‌گوید دعا بازی زبانی ایمان است، لذا ما باید از باب چشم مؤمن ببینیم و بحث دعا را تحلیل و ارزیابی کنیم.

به گزارش خبرنگار مهر، اخیراً حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قاسم کاکایی، استاد فلسفه و عرفان دانشگاه شیراز کتاب جدیدی با عنوان ««هنگام نیایش چه می‌کنیم؟» را ترجمه کردند. این اثر نوشته «ونسان برومر» استاد فلسفه دین دانشگاه اتریش هلد است که با تعلیقات و مقدمه مفصل در واقع بومی شده است. در گفت‌وگویی با وی درباره مباحث این کتاب بررسی شد که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

*اگر خدا متغیر نیست و به تعبیر فلاسفه لایتغیر است، یعنی هیچ چیز در او تأثیر نمی‌کند چگونه دعا بر چنین خدایی تأثیر می‌کند؟

یکی از سؤالاتی که در کتاب وجود دارد همین است. به تعبیر عوام‌الناس چگونه می‌توانیم دل خدا را به رحم آوریم که بر ما ترحم کند و ببخشد. با اشکی که می‌ریزم خدا را تغییر دهیم و مشیت خدا را عوض کنیم. نیایش با خدای فلسفی منزه که نمی‌توان با او ارتباط برقرار کرد و بر آن تأثیر گذاشت جور نمی‌آید، لذا آقای برومر، به این پارادوکس که ما از یک طرف خداوند را لایتغیر می‌دانیم و از طرف دیگر دعا می‌کنیم که دل خدا را به رحم آوریم و در تصمیم و اراده خدا تغییر ایجاد کنیم پاسخ می‌دهد.

سؤال دیگر آن که وقتی ما چیزی را از خدا می‌خواهیم دو حالت دارد: یا این چیزی را که می‌خواهیم به نفع ماست و خیر ما در آن است یا خیر ما در آن نیست. اگر خیر ما در آن است، خدایی که خیرخواه مطلق است و به همه بندگان خیر می‌رساند باید آن را عطا کند ولو آن که از او سؤال نکرده باشیم. به تعبیری که در دعای ماه رجب «یا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ یا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً؛ ای که عطا کنی به هر که از تو خواهد. ای که عطا کنی به کسی که از تو نخواهد. نه تو را بشناسد از روی نعمت بخشی و مهرورزی» یعنی خدایی که خیرخواه است اگر خیر ما در این مسأله هست ما چه بخواهیم و چه نخواهیم خیرخواه است پس باید بدهد. پس این خواست ما چه تأثیری دارد؟ وقتی خیر ما در آن هست، ولو که نخواهیم به‌عنوان خیرخواه مطلق باید آنرا به ما بدهد. اگر خیر ما در آن نیست آنکه خیرخواه مطلق است نباید آنرا به ما بدهد. پس در هر حال دعای ما تأثیری ندارد و لغو و بیهوده است چراکه دعا کردن به درگاه خدایی که خیرخواه مطلق است. آقای برومر به این شبهه نیز پاسخ می‌دهد.

*یکی از شبهاتی که معمولاً در رابطه با دعا مطرح می‌شود این است که اگر ما با دعا آینده را تغییر می‌دهیم این امر باعث نمی‌شود علم خدا به جهل تبدیل شود؟!

سرنوشت همان علم خداست. خدا از قبل و ازل، به هر مطلبی علم دارد. آیا ما با دعا، آینده را تغییر می‌دهیم یا نه؟ اگر ما با دعا آینده را تغییر می‌دهیم و جهت چیزی که قرار است اتفاق بیفتد را عوض می‌کنیم و چیز دیگری را به جای آن می‌نشانیم این امر باعث نمی‌شود علم خدا به تعبیری که منسوب به خیام است جهل شود. یعنی خدا می‌دانست از ازل فلان اتفاق می‌افتد، ولی من دعا کردم و عوض شد. آیا دعای ما باعث عوض شدن علم خداوند می‌شود؟ باعث این می‌شود که سرنوشت و آینده عوض شود؟

در این بحث رابطه علم خدا و افعال ما مطرح می‌شود که افعال ما با سرنوشت محتوم ما چه ربطی دارد؟ آیا فعل ما چیزی را عوض می‌کند یا نه؟ جایگاه دعا در اینجا چه می‌شود؟ آقای برومر به این سؤال‌ها هم پاسخ می‌دهد. بحث دیگری که هست این است که

استجاب دعا چگونه است؟، یعنی چه اتفاقی بیفتد که بگوئیم دعای ما مستجاب شده است؟ بیشتر مردم ممکن است استجاب دعا را در امور مانند معجزه یا معجزه‌وار بدانند یعنی امری غیرمترقبه اتفاق بیفتد تا اجابت دعا محسوب شود. اما آقای برومر این بحث را مطرح می‌کند که آیا لزوماً اجابت دعا به شکل امور معجزه‌وار است یا امور عادی و روزمره هم می‌تواند استجاب دعا را محسوب شود.

*سه فصل پایانی کتاب در مورد رابطه ایمان و دعاست، چه ارتباطی میان ایمان و دعا وجود دارد. نظر نویسنده در این ارتباط چیست؟

مؤلف در سه فصل پایانی کتاب، بحث ارتباط ایمان با مسأله دعا را بیان می‌کند، یعنی او معتقد است ارزیابی مؤمن از مسائل عالم با «چشم ایمان» است. اصطلاح چشم ایمان خیلی مهم است یعنی یک مؤمن با چشم ایمان عالم را می‌بیند و با او داد و ستد دارد و دعا به تعبیر ویتگنشتاین، بازی زبانی است. آقای برومر می‌گوید: دعا بازی زبانی ایمان است، لذا ما باید از باب چشم مؤمن ببینیم و بحث دعا را تحلیل و ارزیابی کنیم. به تعبیر ما، اگر دل به واقعیتی بنام خدا ندهیم ذکر بسیاری از مسائل، هم بی‌رنگ و بو می‌شود.

این شعر نیمایوشیج که می‌گوید: «ای آدم‌ها! که بر ساحل نشسته، شاد و خندانید، یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان»؛ کسی شاد و خندان کنار ساحل نشسته اگر علقه‌ای با واقعیتی که رخ می‌دهد نداشته باشد به شما چه جواب می‌دهد؟ مثلاً می‌گوید امروز یکی در دریا در حال جان سپردن است، چند روز پیش هم همین اتفاق افتاد. هفته قبل هم یک نفر جان سپرد. آمار نشان می‌دهد مرگ و میر در دریا، تابستان امسال بیست درصد بیشتر از مرگ‌ومیر در سال قبل در همین ایام بود. این نتیجه نشان می‌دهد که این شخص هیچ علقه‌ای ندارد و یک تماشاچی صرف است. بازیگر صحنه نیست اما اگر وقتی گفتید: «ای آدم که بر ساحل نشسته شاد و خندانی کودک در آب دارد می‌سپارد جان»، خواهید دید که برخورد این شخص با شخص اول چقدر متفاوت است.

وقتی این فرد بازیگر صحنه می‌شود و به صحنه دل می‌دهد، اطلاعاتی که به او می‌دهید حرکت‌آفرین می‌شود لذا باید با چشم ایمان بحث دعا را مطرح کرد. همان طور که گفتیم خود ما هم بر مسأله تحقیقات علمی یا آماری که در مورد اثر دعا می‌شود نقد داریم. این حرف‌ها نشان می‌دهد که کسانی که بر روی مبحث دعا کار می‌کنند اصلاً با چشم ایمان نگاه نمی‌کنند، بلکه با چشم مسائل علمی روزمره به بحث دعا نگاه می‌کنند لذا سه فصل پایانی کتاب بحث رابطه ایمان و دعاست که بحث زیبا و مستوفایی دارد که خواندنی است.